

آرمان جهانی اسلام در اندیشه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی

مهدی ناظمی اردکانی* - مهدی داودی** - احمدعلی امامی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۳)

چکیده

انقلاب اسلامی ایران یکی از متغیرهای مهمی است که در چند دهه‌ی اخیر منجر به ایجاد نگرش جدید نسبت به اسلام در جهان شده است. این انقلاب بر اساس رویکرد فرهنگی در صدد ایجاد همگرایی فرهنگی در میان جوامع اسلامی در جهان می‌باشد و معتقد است که؛ از مهمترین عواملی که می‌تواند کشورهای مسلمان را به یک انسجام درونی و اجماع جهانی فرا خواند همانا تأکید بر مشترکات دینی و تعامل حول آنها است. از این رو دعوت به وحدت اسلامی بر اساس تعالیم الهی اسلام از طرف بنیانگذار انقلاب اسلامی مطرح می‌شود. این امر در اصول توحید، اسلامی بودن، وحدت و انسجام، عدالت و مبارزه با ظلم و.. که برگرفته از اسلام و در بطن ایدئولوژی جمهوری اسلامی است نمود می‌یابد و آرمان‌هایی نظیر اندیشه‌ی امامت، بسط عدالت، نابودی ظلم و ستم، نیل به سعادت برای همه‌ی انسان‌ها و در نهایت، آرمان جهانی با کانون محوری اسلام را در نظر دارد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، همگرایی فرهنگی، امام خمینی، وحدت، آرمان

جهانی

mkdf@chmail.com

mehdidavoodi@ymail.com

* استادیار مدیریت دولتی دانشگاه جامع امام حسین (نویسنده مسئول)

** کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه دانشگاه تهران

*** دانشجوی دکتری رشته آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، جوهر سیاست و به نحوه‌ی اولی، منطق حاکم بر سیاست خارجی و داخلی ایران را تغییر داد. ایده‌ی جمهوری اسلامی ایران که توسط حضرت امام خمینی (ره) طرح‌ریزی شده بود؛ در آن جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام همچون سایر نظام‌ها و البته با ویژگی خاص خود از جمله ابتناء بر مبانی و منابع اسلامی و دارای آرمان‌ها، اهداف و ارزش‌های گوناگونی می‌باشد که آن را با مسایل و موضوعات گوناگون مرتبط ساخته است (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۸). بنابراین، وقوع انقلاب اسلامی منادی گفتمان جدیدی بود که بر گزاره‌های متفاوتی مبتنی بر پیوند جامعه و حکومت، اسلام، ایران، دین و سیاست تأکید می‌کرد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۶۸-۶۷).

این انقلاب با بهره‌مندی از خمیرمایه‌ی دینی - مذهبی و برخورداری از ماهیت فرهنگی و نگاه جامع‌الابعاد اصلاحی آغاز گردید و تا مرحله‌ی پیروزی و پس از آن همواره این ویژگی را داشت. ویژگی‌هایی همچون: دینی و اسلامی، مردمی و فراگیر، استقلال طلبی، سازش‌ناپذیری نسبت به اصول فرهنگی و معنوی، برخورداری از رهبری جامع‌الابعاد، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و... از جمله آن‌ها است. مجموعه‌ی ویژگی‌های فوق توانسته است آموزه و استراتژی جدید و کارآمدی را فراروی حرکت‌های انقلابی قرار دهد. لذا ملت‌ها و نهضت‌هایی که برای رهایی از استبداد و استعمار به دنبال الگوی قابل تأسی بودند، انتظار داشتند که از تجربیات انقلاب اسلامی بهره‌مند شوند و انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن نیز با تبیین و تشریح این ویژگی‌ها قادر بود تا ضمن انجام وظیفه‌ی اسلامی - انسانی منبعث از اعتقادات و ارزش‌های دینی، اندوخته‌ها و تجربیات خود را در قالب صدور انقلاب به آنان منتقل کند. بر این اساس، گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین نقش را از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون داشته است؛ فرهنگی که بر اصالت فرهنگ ایرانی و آموزه‌های اسلامی استوار است، آموزه‌هایی که خداوند متعال آن را برنامه‌ای جامع برای طول تاریخ حیات بشری معرفی کرده و اصول و قواعد آن را در قرآن کریم و آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار داده است.

بدین صورت این انقلاب در چند دهه‌ی اخیر یکی از متغیرهای اصلی است که منجر به ایجاد نگرشی جدید نسبت به اسلام در جهان معاصر شده است. این انقلاب بر خلاف اکثر انقلاب‌های قرن بیستم (که ابتدای دولت - ملتی داشته‌اند) دارای رویکرد و ریشه‌ی دینی بوده است و باعث باز تجدید حیات دین در جامعه‌ی ایرانی شد و به پایگاه یک حرکت اسلامی

نوین - که مرکزیت بخش اعظم دنیای اسلام را طی سال‌های گذشته در خود داشته است - تبدیل گردید.

از سوی دیگر تاریخ مشترک ۱۴۰۰ ساله‌ی شیعه‌گرایی و برخورداری از اصول اعتقادات مشترک، زمینه‌ی مناسبی برای تمایلات همگرایانه و علقه‌ها و منافع مشترک میان شیعیان ایجاد می‌کند. این تاریخ مشترک بین معتقدان به مذهب شیعه در تاریخ ایران و امت شیعی در کشورهای شیعی همواره هویت مشترکی را به نام شیعه بخشیده است. از این رو با توجه به این مسأله که انقلاب ایران انقلابی بر آمده از عنصر دین بوده است و نیز اینکه امروزه درصد زیادی از جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند و لذا می‌تواند با تکیه بر یکسری مبانی نظری از هویت خود در فرایند جهانی‌سازی دفاع کند. سؤال مطرح شده این است که چه پیوندی بین انقلاب اسلامی ایران و دین مبین اسلام در نگاه آرمانی امام (ره) وجود دارد. یعنی اینکه چه ارتباط و پیوندی از بُعد معنایی در آرمان‌های اساسی آن‌ها وجود دارد. این مقاله با تأکید بر ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی برای فرض است که انقلاب ایران با رویکرد فرهنگی، ارزشی و اسلامی در صدد نیل به آرمان جهانی‌سازی اسلام و وحدت اسلامی است که این امر بر اساس ساختار و مبانی معرفتی آن قابل استناد و برداشت است. بنابراین آنچه در بطن و محتوا اهمیت می‌یابد، بُعد ارزشی و فرهنگی این مسأله است که می‌تواند به صورت روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی بر اساس اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک در تحقق این هدف نمود یابد.

با توجه به این امر، در این مقاله بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی‌های منابع کتابخانه‌ای، به بررسی آرمان‌های اساسی دین مبین اسلام می‌پردازیم و ضمن توجه به اهداف و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران (که منبعث از این آرمان‌ها بوده است)، تبیینی از ارتباط میان آن‌ها ارائه خواهیم داد.

فرهنگ و همگرایی

فرهنگ را هیچ‌گاه نمی‌توان به طور جامع و کامل تعریف کرد، این امر تا حدودی به این علت است که فرهنگ بسیار پیچیده و پویا است. فرهنگ پدیده‌ای اجتماعی و دارای خاستگاه تاریخی است و منحصر به دستاوردها و اکتسابات یک ملت به تنهایی نیست، بلکه عناصری را که از طریق تعامل با فرهنگ دیگر وارد می‌گردد نیز شامل می‌شود. فرهنگ هر منطقه نشانگر

خلاقیت و باورهای آن بوده و بارور بودن آن باعث سرعت در روند رشد و توسعه می‌گردد. تکیه بر فرهنگ بومی و ملی هر کشور هیچ‌گاه به مفهوم بی‌اهمیت شمردن سایر فرهنگ‌های بشری نیست، زیرا که یکی از ویژگی‌های فرهنگ زاینده عبارت است از قدرت برقراری ارتباط با فرهنگ‌های دیگر و داد و ستد با آن‌ها (رجاوند، ۱۳۷۸: ۶۵). والرشتین در مقاله‌ای تحت عنوان «فرهنگ و میدان جنگ ایدئولوژیکی نظام جدید جهانی»، فرهنگ را گسترده‌ترین مفهوم در علوم اجتماعی بیان می‌کند. از نظر وی فرهنگ، طیف وسیعی از معانی را شامل می‌شود و شاید بتوان گفت منبع خیلی از مشکلات هم می‌باشد. از دیدگاه وی فرهنگ به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها که باعث می‌شود شخص عضو یک گروه تعریف شود به خاطر داشتن یک سری ویژگی‌های مشترک با اعضای آن گروه گفته می‌شود، برای اینکه مجموعه‌ای از خصیصه‌ها، روندها، ارزش‌ها یا اعتقادات را توصیف نماییم (سازمند، ۱۳۸۳: ۵۶).

باید به این امر توجه داشت که ارزش‌ها از بنیادی‌ترین عوامل جهت‌دهنده رفتارهای انسانی در هر جامعه‌ای به شمار می‌آیند. ارزش‌ها در رابطه با فرهنگ جامعه و رفتارهای انسان‌ها نقش دوگانه‌ای را بازی می‌کنند. از یک جهت آن‌ها یک نیروی ساختاردهنده رفتارهای بشری به شمار می‌آیند و از جهت دیگر یک الگوی ساختاربندی شده توسط فرهنگ غالب جامعه به شمار می‌آیند. چنانکه هویت هر جامعه‌ای برآمده از فرهنگ آن جامعه است و فرهنگ نیز خود متشکل از ارزش‌ها، باورها، هنجارها و نگرش‌های حاکم بر رفتار افراد است که آن‌ها را جهت می‌دهد. با این توصیف، ارزش‌ها در سرمایه‌ی فرهنگی هر جامعه نقش بسیار اساسی دارند و از بنیادی‌ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و همچنین شکل‌گیری حیات اجتماعی هستند. ارزش‌ها و نظام ارزشی به معنای ارج و مطلوبیت، منشأ نظری و فکری و مبدأ عملی و عینی و همچنین هدف و غایت هرگونه کنش و روش و بینش و باور بوده و میزان و معیار سنجش و ارزیابی آن‌ها می‌باشند (صدرا، ۱۳۸۵: ۱۷).

بنابراین با توجه به این مباحث می‌توان به این برداشت رسید که همگرایی بر مبنای فرهنگ، یکی از مناسب‌ترین اقسام همگرایی و یکی از محتمل‌ترین انواع همگرایی به شمار می‌رود. در اینجا باید توجه داشت که همگرایی به مفهوم تلفیق و دستیابی به اشتراکات فرهنگی در بین ملل گوناگون است که در دو سطح اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی پدید می‌آید. بر این اساس، نگرش‌های فرهنگی عامل تأثیرگذار در پیشرفت فردی و ملی در چشم‌اندازی وسیع‌تر می‌باشند و از این‌رو بر پایه‌ی این دیدگاه، ویژگی‌های فرهنگی، نقش اساسی در تقویت ابزارهای ذهنی،

اخلاقی و اقتصادی برای زیستن دارد. این نگرش که بر نقش فرهنگ در ماهیت تصمیم‌گیری رهبران و ملت‌ها تأکید می‌کند، در واقع به این امر اشاره دارد که بازیگران عرصه‌ی بین‌الملل، مسایل و تصمیمات سیاسی را از دریچه ادراک فرهنگی ویژه‌ای می‌بینند. از این رو معتقدند که همگرایی فرهنگی، نوعی همسویی و همنوایی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار تلقی می‌شود. اگر نوآوری‌های فرهنگی، تأثیرات مشابهی داشته باشند و این اشتراک، باعث دگرگونی اجتماعی یگانه‌ای شود، فرایند همگرایی فرهنگی روی می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۰۷). در این زمینه می‌توان از دین، نژاد، زبان، فرهنگ و تاریخ سخن گفت. نکته‌ی قابل ذکر اینکه یکی از پیش‌زمینه‌های اصلی موفقیت در زمینه‌ی همگرایی اروپا نیز همین عامل بوده است. در این میان، افکارمانند «امت واحد مسیح» و فرهنگ مشترک اروپایی بوده که آن‌ها را دعوت به اتحاد کرد و الگوهای تاریخی این مسأله در غرب قابل بررسی است.

آرمان جهانی اسلام: همگرایی و جهانی‌سازی اسلامی

باید توجه داشت که بنابر تفکر اسلامی و آنچه که از احادیث و متون اسلامی استنباط می‌شود آینده‌ی جهان در شکل هنجاری و نوع حاکمیت مشخص شده است. بنابر متن صریح قرآن اشاعه و گسترش جهانی آیین اسلام به عنوان یک باور الهی و جهانی مورد تأکید است. حاکمیت اسلام و حکومت اسلامی نوید دهنده‌ی جامعه‌ی جهانی مبتنی بر دین الهی اسلام و برقراری عدل جهانی است. از این رو مهمترین عاملی که می‌تواند کشورهای مسلمان را به یک انسجام درونی و اجماع جهانی فراخواند همانا تأکید بر مشترکات دینی و اسلامی و تعامل حول آن است که تمامی مسلمانان جهان به آن اعتقاد دارند و در میان همه‌ی مسلمانان با فرقه‌های گوناگون نیز دارای تقدس و احترام است.

با توجه به ماهیت و اساس هستی‌شناختی دین اسلام باید گفت که برحسب آموزه‌های قرآن کریم، که عالی‌ترین منبع دین است و اراده‌ی تشریحی خداوند در آن تجلی یافته است، وقتی صحبت از رسالت انبیای اولوالعزم و پیامبر گرامی اسلام می‌نماید گستره‌ی رسالت انبیا را پهنه گیتی می‌داند و به انبیا مأموریت می‌دهد که تمام مردم روی زمین را هدایت نمایند و رحمت جهان شمول الهی، همه‌ی انسان‌های عرصه‌ی گیتی را فراگیرد. این مفهوم را می‌توان در آیات ذیل استنباط نمود.

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ

الْوَارِثِينَ» (سوره قصص، آیه ۵)

"ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم"

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكُوِّرَهُ الْمُشْرِكُونَ» (سوره توبه، آیه ۳۳)

"او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند"

همچنین می‌توان به حدیث ذیل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اشاره نمود که فرمودند:

"خلفا و جانشینان من و حجت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند، اول آنان برادرم و آخرشان فرزندم. گفته شد ای رسول خدا! برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب، سؤال شد فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی که زمین را از قسط و عدل پر سازد، همان‌سان که از ظلم و جور پر شده باشد. قسم به آن که مرا به حق به عنوان بشارت‌دهنده و ترساننده برانگیخت، اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد، خدا آن را چنان طولانی سازد تا فرزندم مهدی قیام کند، سپس عیسی بن مریم پشت سرش به نماز ایستد" (صاحبی، ۱۳۸۰: ۷۸).

بنابراین باید پذیرفت اسلام دینی است جهانی، و مسلمانان برای جهانی کردن اسلام بسیار کوشیده‌اند، شیعیان نیز به حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) دل سپرده‌اند و آیات و روایات اسلامی نیز، جهانی شدن اسلام را مورد تأیید و تأکید قرار داده‌اند.

بدین جهت برای آنکه جهانی شدن با وجهی انسانی در جهان اسلام پذیرفته شود بایستی تلاش نمود تا نظم جهانی دیگری ایجاد گردد تا مسلمانان در چارچوب آن بتوانند مسیر آینده‌ی خود را خود ترسیم نمایند و بر سرنوشت خود حاکم شوند و در کل، تفکر اسلامی و انگیزه‌ی اعتقادی و دینی به دنبال ساخت نوعی هویت است که مسلمانان در دنیای جهانی‌شونده از آن محروم مانده‌اند (شفیعی، ۱۳۸۵: ۲۴۰).

آرمان جهانی اسلام در اندیشه‌ی حضرت امام خمینی (ره)

بسیاری از اندیشمندان برجسته، عصر جدید را (که در آن گرایش به دین و معنویت رو به گسترش است) عصر امام خمینی نام نهاده‌اند. عصری که در آن با ادامه‌ی انقلاب اسلامی امام

خمینی بار دیگر پرچم توحید بر فراز سنگرهای کلیدی جهان طنین‌انداز خواهد شد (حاجتی، ۱۳۸۱: ۱۳۳). آرمان نهایی حضرت امام از مبارزه و تشکیل حکومت بر اساس اسلام همانا حرکت در مسیر جهانی‌سازی اسلام بوده است، و در بحث‌هایی که همواره ایشان مطرح می‌نمودند، این آرمان در شکل وحدت جامعه‌ی اسلامی و مشابه آن بر اساس رویکردهایی نظیر صدور انقلاب و جهانی‌شدن انقلاب اسلامی مطرح بوده است و حتی در این راستا در برخی از سخنرانی‌هایشان از لزوم تشکیل حزب جهانی مستضعفین سخن می‌گفتند.

از این جهت دعوت به وحدت اسلامی نیز براساس تعالیم الهی اسلام از طرف امام (ره) مطرح می‌شود. امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه خود به روشنی درباره‌ی طرح خود برای وحدت مسلمین توضیح داده‌اند. در این کتاب ایشان با توضیح توطئه‌های استعمارگران در سرزمین‌های اسلامی و وجود حکومت‌های فاسد و دست‌نشانده از لزوم انقلاب سیاسی اسلامی در هریک از کشورهای اسلامی و بعد صدور آن به سایر نقاط سخن می‌گویند و در این راه تأکید خاص خود را بر نقش ملت‌ها و بعد علمای اسلام قرار می‌دهند. در مقام عمل نیز در این راه گام نهادند و به موفقیت‌های چشمگیری نائل آمدند؛ در قسمتی از کتاب مذکور می‌خوانیم:

«شرع و عقل حکم می‌کند که باید نگذاریم وضع حکومت‌ها به همین صورت ضد اسلامی یا غیر اسلامی ادامه پیدا کند. دلایل این کار واضح است چون برقراری نظام سیاسی غیر اسلامی به معنی بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است. همچنین به این دلیل که هر نظام سیاسی غیر اسلامی نظامی شرک‌آمیز است، چون حاکمش طاغوت است و ما موظفیم آثار شرک را از جامعه‌ی مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم... این وظیفه ایست که همه‌ی مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام بدهند و انقلابات سیاسی اسلام را به پیروزی برسانند» (امام خمینی، ۱۳۵۷: ۴۱-۴۵).

در ادامه‌ی این بحث می‌فرمایند:

«ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده‌ی آن‌ها خارج و آزاد کنیم راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن حکومتی عادلانه‌ی اسلامی را که در خدمت مردم است بوجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است، چنانکه حضرت زهرا

سلام الله علیها در خطبه‌ی خود می‌فرمایند که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است» (همان: ۴۲).

پیش از این نیز در آغاز نهضت سیاسی خود در نامه‌ای که همراه با چند تن از علما نگاشته‌اند آمده بود:

«برنامه‌ی ما برنامه‌ی اسلام است، وحدت کلمه‌ی مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم» (صحیفه‌ی نور، ج ۱: ۸۴).

حضرت امام (ره) پس از انقلاب اسلامی چنانکه در برنامه‌ی خود مشخص کرده بودند به تلاش برای صدور اصول انقلاب و بیداری مسلمانان ادامه دادند، ایشان یکسال پس از انقلاب اسلامی تأکید می‌کنند که با توجه به ماهیت اسلامی بودن نهضت، محصور بودن آن در یک کشور پذیرفتنی نمی‌باشد:

«نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی، نهضت برای اسلام همان دنباله‌ی نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است، پیامبر اکرم اهل عربستان است لکن دعوتش مال عربستان نبوده، محصور نبوده به عربستان، دعوتش مال همه عالم است» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۱۵).

ایشان در زمان‌های مختلف بر لزوم صدور انقلاب و حمایت از مستضعفین جهان در مقابل مستکبران تأکید فرموده‌اند و اعلام داشته‌اند که:

«اگر ما در بسته بمانیم قطعاً نابود خواهیم شد. ما باید حسابمان را صریحاً با قدرت‌ها و ابر قدرت‌ها یکسره کنیم و به آن‌ها نشان دهیم که با تمام گرفتاری‌های مشقت باری که داریم با جهان برخورد مکتبی می‌نماییم» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، ۱۳۷۶: ۳۵).

همانگونه که اشاره گردید آرمان مهم امام در بلند مدت، تشکیل یک دولت بزرگ اسلامی بوده است، به همین خاطر در مصاحبه‌ای که با «حسنین هیکل» نویسنده‌ی مصری داشتند می‌فرمایند:

«آرزوی بزرگ ما این است که ملت‌های دیگر هم با ما متصل بشوند همانطور که اسلام دستور داده است که مؤمنین اخوه هستند... البته من از دولت‌ها باید بگویم مایوسم لکن ملت‌ها اینطور نیستند» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۱۴۸).

رهبر کبیر انقلاب ایران ضمن الگویی که برای رسیدن به وحدت اسلامی در بعد سیاسی آن ارائه می‌دادند همواره بر مسأله‌ی تقریب مذاهب اسلامی و به طور مشخص تقریب شیعه و سنی تأکید فراوانی می‌نمودند. برخی از بیانات بسیار مهم ایشان در این زمینه به خصوص به مواردی نظیر موسم حج که همواره آن را نماد مهم نمایش اقتدار و اتحاد مسلمین و فرصت مناسبی برای بررسی مسائل مسلمانان و زمینه‌سازی وحدت اسلامی می‌دانستند مربوط می‌شود. بسیار شایان توجه است ایشان در پیامی که به مناسبت موسم حج در سال ۱۳۵۸ صادر می‌کنند از حجاج می‌خواهند که طواف را به نحو متعارف که همه‌ی حجاج به جا می‌آورند، به جا آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می‌کنند و کارهایی که موجب وهن مذهب است مطلقاً احتراز کنند. (همان: ج ۹: ۱۷۶)، یا این که در کتاب مناسک حج می‌فرمایند وقتی که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی نماز جماعت منعقد شد مومنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۹۵-۱۹۶).

در راستای چنین اندیشه‌ای بوده است که از آغازین روزهای پیروزی انقلاب یکی از نکاتی که امام بر آن تأکید جدی داشتند مسأله‌ی صدور انقلاب بود و از طرفی با طرح اندیشه‌ی صدور انقلاب از سوی ایشان و تأکید بر اجرای این سیاست، برخی مخالفت‌های تصریحی و تلویحی از ناحیه‌ی بعضی از جریانات سیاسی مطرح شد، اما ایشان با موضع‌گیری قاطعانه‌ای فرمودند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۲: ۱۴۸). همچنین حضرت امام خمینی با نفی تفکر مخالفان صدور انقلاب اعلام کردند:

«ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۲: ۲۰۲).

«مسئولین ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه‌ی شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت _ ارواحنا فداه _ است... مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره‌ی هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند» (صحیفه نور، ج ۱: ۱۰۸). در مجموع باید گفت امام (ره) ضمن اعتقاد به لزوم تشکیل یک دولت بزرگ اسلامی و تأکید

برای اتحاد جهان اسلام با توجه به واقعیت دولت‌های ملی و سرزمینی موجود؛
فرایند چند مرحله‌ای را در راستای آن آرمان با واقع‌بینی خاص خود ارائه می‌نمود
(دهشیری، ۱۳۸۰: ۲۲۶-۲۲۷).

جهانی‌شدن اسلام در اندیشه‌ی انقلاب اسلامی

بدون شک انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک رژیم مکتبی و ایدئولوژیک بیش از دیگران به جنبه‌های ارزشی هویتی خود توجه دارد. این انقلاب که برخاسته از اندیشه‌های حضرت امام (ره) است در بطن خود دارای اصول، ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که این امر در جهت نیل به آرمان نهایی انقلاب و جهانی‌شدن می‌باشد. این اصول در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران که برخاسته از انقلاب اسلامی و برگرفته از دین اسلام است حاوی مباحث هستی‌شناسانه و آرمانی وسیعی در جهت نیل به اهداف والای اسلامی و انسانی است. از این رو با توجه به اصول و مبانی هستی‌شناختی در ایده‌ی انقلاب اسلامی آرمان‌هایی برای آینده‌ی جامعه‌ی اسلامی منظور گردیده است. باید توجه داشت که در هر جامعه، آرمان اجتماعی، یعنی تصویری از یک نظم فرهنگی، اجتماعی - سیاسی و... که اکثریت مردم در تنظیم رفتار خویش آن را به عنوان مرجع می‌شناسند و در اندیشه‌ی آن مردم، چنین تصویری از یک نظم عالی همچون داده‌ای عادی تجلی نمی‌کند، بلکه به عنوان گونه‌ای نمونه و خاص در ذهن متبادر می‌شود. از این جهت، جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی دارای آرمان‌های بلندی است که ریشه در آرمان‌خواهی اندیشه‌ی شیعه دارد. براین اساس با توجه به ماهیت و اهداف برآمده از انقلاب، اصول چندی را می‌توان برای آن نام برد: (محمدی، ۱۳۶۶: ۲۹-۲۸)

- طرح مجدد اسلام به عنوان مجموعه‌ی کاملی از شیوه‌ی زندگی؛
- اعتقاد بر این اصل که مدل غربی جدایی دین از سیاست موجب همه‌ی مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی جوامع اسلامی بوده است؛
- این عقیده که قدرت و موفقیت مسلمانان در بازگشت به اسلام (که بر اساس وعده‌ی و تضمین الهی است) تنها جایگزین مناسب برای سرمایه‌داری غربی و سوسیالیسم و مارکسیسم شرقی است،
- طرح مجدد شریعت به عنوان قوانین الهی برای ایجاد جامعه‌ی مطلوب و برقراری جامعه‌ای بر پایه‌ی عدالت اجتماعی و اخلاقیات،

- طرح مجدد جهاد مقدس علیه همه‌ی بت‌ها و آمادگی برای شهادت در راه خدا به عنوان تنها راه مبارزه و پیروزی.

خصوصیات انقلاب اسلامی

بر این اساس، انقلاب اسلامی خصوصیات منحصر به فردی دارد که آن را از دیگر انقلاب‌های جهان ممتاز می‌سازد و مفهوم جدیدی از انقلاب به دست می‌دهد. این خصوصیات که در واقع آرمان‌نهایی اندیشه‌ی شیعی است عبارتند از:

الف) اندیشه‌ی امت^۱ واحده

جمهوری اسلامی ایران با توجه به محتوای اسلامی، خود را حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین می‌داند و می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. بر این اساس، یکی از آرمان‌های اساسی آن، تشکیل امت واحد جهانی اسلام است این آرمان در رأس همه‌ی آرمان‌ها قرار گرفته است.

در منظومه‌ی فکری امام (ره) تشکیل امت واحده‌ی جهانی و جهان‌گیر شدن حاکمیت اسلام، راهکاری است که بر اساس آن می‌توان صلح و امنیت جهانی را به صورت دائم برقرار ساخت. در نظر امام خمینی (ره) از یک سو پیامبر اسلام (ص)، آخرین برنامه‌ی الهی را برای تمام افراد بشر در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها به کل جامعه‌ی بشری عرضه کرده است و از سوی دیگر، امام زمان (عج) منجی و مصلح موعود برای یکپارچه کردن کل انسان‌ها در زیر لوای اسلام است. بنابراین، از منظر دینی و مذهبی، سیاست فرامرزی امام (ره)، بالضروره دارای این آرمان‌نهایی است، که در کوتاه مدت تمام جهان اسلام و در دراز مدت تمام جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، زیر لوای اسلام (حکومت اسلامی) در آیند (امین، ۱۳۷۸: ۳۱۲).

«به حکم آیه‌ی کریمه‌ی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»^۲ همه‌ی مسلمانان، یک امت هستند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست‌های کلی خود را بر پایه‌ی ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».^۳

1. The Idea of Ummat

۲. و همانا این آیین - یا امت - شماست آیینی - یا امتی - یگانه و من پروردگار شمایم پس، از من پروا کنید (مؤمنون آیه: ۵۲).

۳. مقدمه و اصل ۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ب) بسط عدالت در جهان

عدالت، یک ارزش و فضیلت انسانی است. در مورد لزوم عدالت رهبران و حکام در نظام اسلامی و حکومت دینی و ضرورت پیگیری هدف برقراری عدالت توسط آنان، تردیدی نیست. به سخن دیگر، یکی از مهم‌ترین کارکردها و وظایف دولت، تأمین عدالت در سیاست و جامعه است. اما این مفهوم به منزله‌ی یک هدف و آرمان و رسالت جهانی؛ یعنی تحقق کامل عدالت و عدالت گسترده برای همه‌ی جهانیان در اندیشه‌ی جمهوری اسلامی ایران حضور دارد. به عبارت دیگر، هدف واکاوی عدالت به عنوان یک دال متعالی در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۹۳-۱۵۷).

همچنین از مباحث مهم اندیشه‌ی امام خمینی (که اصول بنیادی اعتقادی و فقهی امام را در روابط بین‌المللی و سیاست خارجی تشکیل می‌دهد) آرمان ضرورت تحول در عرصه‌ی بین‌المللی برای برقراری عدالت جهانی است. از دیدگاه ایشان تا زمانی که آرمان عدالت جهانی برقرار نشود، سخن گفتن از صلح پایدار، که زمینه‌ی پرورش و اخلاق را مهیا می‌کند، بیهوده است (جوادی ارجمند، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۹۳). ایشان، حفظ نظم بین‌المللی حاکم را منوط به استقرار عدالت در مناسبات جهانی دانسته و با اشاره به تغییر تعادل در روابط جهانی با انقلاب اسلامی و در نتیجه وقوع جنگ می‌فرمایند:

«ما امیدواریم که تعادل در دنیا به خطر نیفتد برای اینکه ما به هیچ طرفی از دو طرف شرق و غرب تمایلی نداریم و ما با همه، روابطی علی‌السواء داریم و با همه، رفتار عادلانه داریم. البته در صورتی که آن‌ها عدالت را در روابط با ما رعایت کنند» (صحیفه امام، ج ۵: ۲۳۴).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رمال جامع علوم انسانی

ج) سعادت برای همه‌ی انسان‌ها
 نگاه جهان شمول جمهوری اسلامی ایران باعث شده است که این اندیشه، سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود بداند. این آرمان در اندیشه‌ی جمهوری اسلامی به بهترین نحو در اصل صد و پنجاه و چهار (۱۵۴) قانون اساسی بازتاب یافته است.

«جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی

ملت‌های دیگر، از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند»^۱.

د) نابودی ظلم و ستم در جهان

انقلاب اسلامی با مختصات ویژه‌ای که در ابتدای قرن بیست و یکم طرح نمود، توانست قلب و اندیشه‌ی بسیاری از ملل مسلمان و غیر مسلمان را جلب نماید و خود را به عنوان یک راه برون‌رفت از نظم ظالمانه‌ی جهانی، که بر اساس انگاره‌ها و منافع دولت‌های سرمایه‌داری طرح‌ریزی گردیده بود، معرفی نماید. بنابراین مبارزه برای نابودی کامل همه‌ی ظواهر ظلم و ستم در جهان یکی دیگر از آرمان‌های اساسی این اندیشه است.

امام خمینی - رحمه الله - این نکته را چنین بازگو می‌نمایند:

«برای من، مکان مطرح نیست؛ آنچه مطرح است، مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد، آنجا خواهم بود». «خدای تبارک و تعالی ما را مکلف کرده که با این طور اشخاص، با این طور ظلم، با این‌هایی که اساس اسلام را دارند متزلزل می‌کنند و همه‌ی مصالح مسلمین را دارند به باد می‌دهند، ما مکلفیم که با این‌ها معارضا و مبارزه بکنیم. اگر یک وقتی هم دستمان برسد، دست به تفنگ می‌کنیم و معارضا می‌کنیم. خودمان تفنگ به دشمنان می‌کنیم و معارضا می‌کنیم» (صحیفه امام، ج ۳، ۱۸۴).

ه) آرمان جهانی^۲

انقلاب اسلامی ایران با وجود دارا بودن ویژگی ملی، آرمان‌های جهانی دارد و بدون چنین آرمان‌هایی نمی‌تواند هویت کامل و اصلی خود را نشان دهد. در حقیقت این ویژگی نقشی همچون علت غایی را در هویت آن ایفاء می‌کند. با تحقق این آرمان برخی از ویژگی‌های هویتی مانند انقلابی یا ملی بودن به طور طبیعی تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

بر اساس آنچه گذشت در این گفتمان، اسلام دال برتر است که با توجه به آن، نظامی است توحیدی که مرکز ثقل و پایه‌ی اصلی ارزش‌ها و آرمان‌های این نظام، اسلام به معنای «مکتب» می‌باشد. مکتب در این تلقی نوعی صورت‌بندی بینشی است که پشتوانه‌ی نظری و ایدئولوژیک

۱. اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تأسیس حکومت و تأمین و شیوه‌ی توزیع قدرت، ثروت و حیثیت را در جامعه تعیین می‌کند. ستون و مبنای فهم رفتار سیاسی و امنیتی در جوّ متافیزیکی اسلام قابل ترسیم است. این نظام با همین اصول اسلامی توحیدی سعی در ارائه‌ی سیاست در راستای آرمان‌ها، ارزش‌ها به صورت رسالت‌گرا و متعهدانه دارد (متقی و پوستین چی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). از این منظر، اسلام به عنوان کانون محوری در ساختار قدرت قرار دارد.

بنابراین تلقّی مکتبی از اسلام، به عنوان مکتبی که اندیشه‌ی جمهوری اسلامی ایران، منشعب از آن است و اسلامی است: فراگفتمانی و فرانهادی که یعنی نهادی مانند کلیسا نیست، مانند هوایی است که جامعه در چهارچوب آن نفس می‌کشد. به بیان دیگر، در همه‌ی حوزه‌ها و روابط اجتماعی - عقیدتی حضور دارد و دینی اجتماعی به شمار می‌آید. ولی در عین حال صرفاً چهارچوبی برای اداره‌ی زندگی نیست بلکه برنامه‌ای هدفمند برای تحوّل و به حرکت درآوردن جامعه به سوی مقصد عالی است که جهان‌شمول می‌باشد و آنچه در آن اصالت دارد مرزهای اعتقادی است نه جغرافیایی (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۱۶۵ و ۱۶۴).

بر این اساس، تلقی مکتبی از اسلام متضمن آن است که سبک خاص از زندگی در جامعه‌ی بشری مورد تبلیغ و سرمایه‌گذاری قرار گیرد و این وظیفه بیش از همه بر دوش حکومت اسلامی ایران قرار دارد.

بدین جهت مجموع اهداف انقلاب ایران در ارتباط با مسلمانان جهان با بررسی قانون اساسی موارد زیر است:

- سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری؛^۱
- استقلال کشور؛^۲
- ظلم‌ستیزی و عدالت خواهی و طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزه‌ی حق طلبانه‌ی مستضعفین؛^۳
- تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان؛^۴ ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام^۵ و نیز دفاع از حقوق مسلمانان جهان؛^۶

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۲

۲. اصل ۲ بند ج

۳. اصل ۲

۴. اصل ۳

۵. اصل ۳

۶. اصل ۱۵۲

- نفی هر گونه ستم‌گری و ستم‌کشی^۱ و نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری^۲ و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛^۳

- طرد کامل استعمار^۴ و جلوگیری از نفوذ اجانب^۵ و حفظ تمامیت ارضی^۶ و نیز نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه‌ی بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصاد کشور^۷، فرهنگ و ارتش گردد.^۸

نتیجه‌گیری

همانگونه که ملاحظه گردید وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام (ره) منادی گفتمان جدیدی بود که بر گزاره‌های متفاوتی مبتنی بر پیوند جامعه و حکومت، اسلام، ایران، دین و سیاست تأکید می‌کرد. در این میان مبنای اصلی این انقلاب مبتنی بر رویکرد فرهنگی و ارزشی دین اسلام قرار داشت. از این جهت همگرایی فرهنگی، نوعی همسویی و هم‌نوایی در ارزش‌ها و نگرش‌های برخاسته از این انقلاب محسوب می‌گردد. از سوی دیگر از دیدگاه دین اسلام مهمترین عواملی که می‌تواند کشورهای مسلمان را به یک انسجام درونی و اجماع جهانی فراخواند همانا تأکید بر مشترکات دینی و اسلامی و مانور حول آن محورها می‌باشد که تمامی مسلمانان جهان به آن اعتقاد دارند. از این رو ملاحظه می‌گردد که دعوت به وحدت اسلامی نیز براساس تعالیم الهی اسلام از طرف امام خمینی (ره) مطرح می‌شود و متعاقب آن صدور انقلاب محور اصلی فعالیت در جهت نیل به این اندیشه و تشکیل حکومت بزرگ اسلامی از سوی ایشان طرح می‌گردد. بر این اساس انقلاب اسلامی ابتدای خود را بر محورهای کلیدی و اصول هستی‌شناختی منبعث از دین قرار می‌دهد تا به آرمان‌های نهایی خود برسد. این آرمان‌ها که بر مبنای این اصول هستی‌شناختی قرار دارند عبارتند از: تشکیل امت واحده‌ی جهانی و جهان‌گیر شدن حاکمیت اسلام، بسط عدالت و نابودی ظلم در جهان تا مسیر رسیدن به آرمان‌غایی و

۱. اصل ۲ بند ج

۲. اصل ۲ بند ج

۳. اصل ۱۵۲

۴. اصل ۳ بند ۵

۵. اصل ۳ بند ۵

۶. اصل ۳ بند ۱۱

۷. اصل ۴۳ بند ۸

۸. اصل ۱۵۳

جهانی خود را ایجاد نماید. بنابراین با توجه به این مباحث و بررسی اهداف انقلاب اسلامی و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی این اهداف دارای جنبه‌ی اجتماعی و فرهنگی بوده و براساس اصول اسلامی توحیدی سعی در ارائه‌ی سیاست در راستای آرمان‌ها، ارزش‌ها به صورت رسالت‌گرا و بر اساس جنبه‌های ارزشی و ذاتی دین اسلام دارد.



منابع

- احمدی، امیدعلی، (۱۳۸۱)، *نخبگان و همگرایی فرهنگی*، مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی، محسن فردرو و اصغر رضوانی، چاپ اول، تهران.
- امام خمینی (ره)، (۱۳۵۷)، *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- امام خمینی (ره)، *صحیفه‌ی نور (جلدهای ۱، ۱۰، ۱۱، ۱۲)*، تهران، سازمان اسناد و مدارک انقلاب اسلامی.
- امین، احمد، (۱۹۴۸)، *زعماء الاصلاح فی العصر الحدیث*، بیروت، دارالکتب العربی.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۹)، *جامعه‌ی امن در گفتمان خاتمی*، تهران: نشرنی.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر، (۱۳۹۰)، «عدالت جهانی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره) و نظریه‌ی انتقادی روابط بین‌الملل»، *فصلنامه‌ی مطالعات انقلاب اسلامی*، پاییز، شماره ۲۶.
- حاجتی، میراحمدرضا، (۱۳۸۱)، *عصر امام خمینی (ره)*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۶۴)، «ملاحظات کلی در باب تغییر نظام آموزشی کشور»، *مجله‌ی تعلیم تربیت*، بهار، شماره ۱.
- دانشگاه عالی دفاع ملی، (۱۳۸۷)، *نظریه‌ی امنیت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دهشیری، محمدرضا، (۱۳۸۰)، *درآمدی بر نظریه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)*، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۸)، «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *معرفت سیاسی*، سال اول، بهار و تابستان، شماره ۱.
- رجاوند، پرویز، (۱۳۸۶)، *پیشرفت توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی*، تهران: شرکت سهامی.
- سازمند، بهاره، (۱۳۸۳)، «فرهنگ و حقوق بشر در پرتو جهانی شدن»، *فصلنامه‌ی راهبرد*، تابستان، شماره ۳۶.
- شفیعی، احمد، (۱۳۸۵)، «انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی»، *مجله‌ی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، شماره ۷.
- صاحبی، محمدجواد، (۱۳۸۰)، *مبانی نهضت احیای فکر دینی*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه.

- صدرا، علیرضا، (۱۳۸۵)، طرح تحقیقات ارزش‌گرایی در جامعه‌ی ایرانی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- متقی، ابراهیم، پوستین‌چی، زهره، (۱۳۹۰)، الگوها و روندها در سیاست خارجی ایران، قم: مفید.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۶۶)، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر امیرکبیر.
- موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، (۱۳۷۶)، وحدت از دیدگاه امام خمینی، دفتر پانزدهم، تهران، تبیان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی